

فرجی: «سقوط یک فرشته» را بر اساس حدیثی از امام صادق(ع) ساختیم

مدیر شبکه یک سیما گفت: سریال «سقوط یک فرشته» بر مبنای حدیثی از امام صادق(ع) با موضوع تلاش شیطان برای فریفتن افراد مختلف به ویژه اشخاص مذهبی ساخته شد.



مدیر شبکه یک سیما گفت: سریال #171؛ سقوط یک فرشته؛ بر مبنای حدیثی از امام صادق(ع) با موضوع تلاش شیطان برای فریفتن افراد مختلف به ویژه اشخاص مذهبی ساخته شد.

به گزارش خبرنگار رادیو و تلویزیون فارس نشست نقد و بررسی مجموعه تلویزیونی (سقوط یک فرشته) که در ماه مبارک رمضان از شبکه یک سیما روی آنتن رفت، با حضور مهدی فرجی(مدیر شبکه یک سیما)، عباس اکبری (مدیر گروه فیلم و سریال شبکه یک سیما)، رامین عباسی زاده (تهیه کننده)، بهرام و حمید بهرامیان (کارگردان های سریال)، بابک کائیدان (نویسنده)، روح الله صدیقی(نویسنده)، شبنم مقدمی (بازیگر نقش پریچهر)، محمدرضا علیمردانی (گوینده صدای شیطان) و منصوره بسمل (روابط عمومی سریال) در خبرگزاری فارس برگزار شد.

بنا بر این گزارش، مشروح صحبت های مهدی فرجی در این نشست به شرح زیر است:

*امسال تلویزیون با سه سریال ماورائی و مضمونی که به این نام شناخته می شود، به استقبال ماه رمضان رفت، شما در جریان این مساله بودید که سه شبکه با یک هدف و موازی به جلو می روند؟

من ابتدا وظیفه می دانم از شما و همکارانتان تشکر کنم که با دقت و موشکافی اخبار تمام شبکه های سازمان صداوسیما را پی گیری می کنید، همینطور همکاران خودم در تولید سریال سقوط که این اولین نشست است و من نتوانستم از دوستان تشکر کنم. امسال سه سریال تقریباً با مضمون ماورائی پخش شد اما به اعتقاد من هرکدام از این سریال ها حوزه های خاصی را پی گیری می کرد و به اعتقاد من شباهتی به هم نداشت و ما سه کار نداشتیم که هر سه به موضوع روح یا شیطان پردازد یا فرشته و فرشتگان. تصورم این است که فضایی که مقداری غیر منصفانه علیه سریال ها ایجاد شد، این موضوع را تشدید کرد و قضاوت غیر منصفانه ای را ایجاد کرد که سازمان صداوسیما کارهای مشابهی را پخش می کند. در صورتی که قصه ها متفاوت بود و موضوعات متفاوت بودند و هرکدام پیام های خاصی را دنبال می کرد. اگرچه من فکر می کنم به عنوان یک تجربه اگر در سال های بعد این طور نباشد بهتر است و شبکه ها بیشتر به موضوعات اجتماعی پردازند. در عین حال

با دوز کمتری به مسائل ماورائی پرداخته شود و فقط یک شبکه مسائل ماورائی را پخش کند و این گونه مردم بهتر می توانند متمرکز شده و اهداف و پیامها را دریافت کنند.

ضمن اینکه سریال های ماورائی عمق بیشتری دارند و دریافت پیامها تفکر بیشتری را می طلبد و طبیعی است وقتی ما یک سریال تولید کنیم، به بیننده فرصت می دهیم که تعقل و تفکر کند و پیامها را شناسایی کرده و درباره آنها به اظهار نظر پردازد. به نظرم در سال های آینده چنین اتفاقی می افتد و تصورم این نیست که ما در سال های آینده سریال های ماورائی نسازیم و در سال های آینده نیز حتما خواهیم داشت چون مسائل ماورائی و عالم غیب بخش مهمی از زندگی مردم است و ما نمی توانیم به عالم غیب و مناسبات مردم با عالم غیب بی تفاوت باشیم. هم مردم علاقمند هستند و هم تاثیر بسیاری در زندگی مردم می گذارد و همچنان جزو سریال سازی ما است، اگرچه با تعداد کمتر.

**هر سال ما قرار است با همین شکل و شمایل شاهد آثار ماورائی باشیم؟ درباره این موضوع قالبی تعریف شده و فعلاً فیلمسازان ما در همین قالب مشغول حرکت هستند، قرار نیست این قالب تغییر کند؟

طبیعی است که همه ساله متن ها، ایده ها و تکنولوژی جدید به کمک کارگردان می آید و ما از او یک فرشته بود و کمک کن تا امروز راه زیادی را رفته ایم و کارها تفاوت بسیاری کرده اند و ارتقاء یافته اند. این مسیر متعالی شدن سریال ها ادامه پیدا می کند.

**امسال چند طرح برای ماه رمضان داشته اید؟

ما بیش از 10 طرح برای ماه رمضان داشتیم که هرکدام از آنها بضاعت خیلی خوبی داشتند و با توجه به اینکه کدام کار برای ماه رمضان بهتر است یک کار را شروع کردیم اما وقتی به قصه سقوط یک فرشته رسیدیم، به این نتیجه رسیدیم که سقوط یک فرشته برای ماه رمضان اثرات بیشتر و بهتری را به همراه داشته باشد و اساساً با ماه مبارک رمضان بیشتر همخوانی دارد و ما این کار را انتخاب کردیم.

**از لحاظ تجسد شیطان سوال داشتیم. شما چطور او را به این شکل درآوردید و مبنای شما در تصویر شیطان چه بود؟

- تجسد شیطان قبل از به تصویر کشیدنش خیلی مورد بحث بود که این کار را بکنیم یا نکنیم. البته قبل از این درباره شیطان کار ساخته شده بود و مبنای فقهی آن نیز روشن است، در کار اغماء نیز تفسیر آیت الله جوادی آملی برای مبنای کار به طور مفصل گفته شد و ما در حوزه علمیه نیز بحث کردیم و اشکالی هم در این مورد وجود نداشت.

در این سریال هم این مساله مورد بحث بود و حتی تا قسمت های 22 و 23 نیز خبری از شیطان نبود. آنچه بود نیما به عنوان انسان پلید مطرح شد که شیطان نبود و حتی روزهای اول ماه مبارک نیز بحث جدی وجود داشت که شیطان جنی را در کار بگذاریم یا توسط شخصیت پلید نیما کار را جلو ببریم؟ پیشنهادات بررسی شد و به این جمع بندی رسیدیم که اساسا سریال را بر پایه حدیثی از امام جعفر صادق(ع) که در جلد 8 اصول کافی نیز آمده است، پایان ببریم.

آن حدیث نیز درباره این بود که روزی شیطان ایادی خود را برای فریب یک مومن گرد هم می آورد. یکی از آنها به شیطان پیشنهاد فریفتن عابد از طریق پول را می دهد که شیطان عنوان می کند این راه موفقیت آمیز نیست، دیگری شراب و پول را عنوان می کند که باز هم شیطان آن را موفق نمی داند و سومی می گوید من از طریق خوبی این عابد را می فریبم که مورد قبول شیطان واقع می شود. چرا ما این موضوع را انتخاب کردیم؟ حتی در برخی نقدها گفتند چرا شما یک خانواده مذهبی را مبنای این کار قرار دادید؟ و این آسیب ها را در یک خانواده مذهبی قرار دادید؟ شیطان عابد را به مسیر گناه برای درک توبه و نزدیکی به خدا سوق می دهد که در نهایت شیطان موفق نمی شود. فاطمه شخصیت اصلی، مذهبی و درست سریال بود که قرار بود متولی

امامزاده در محله شان بشود، شیطان نیز بنایش این بود که این اتفاق نیافتد و ایمان فاطمه را بگیرد و او را دور کند. گناهی هم که به فاطمه پیشنهاد داد این بود که بزن نیما را بکش و می خواست قاتلش کند. می دانست که اگر فاطمه قاتل بشود دیگر نمی تواند متولی امامزاده بشود. قرآن هم که ربودند که به طور نمادین به دور شدن مفاهیم دینی از مردم محله می پرداخت. مبنای سریال ما این حدیث قرار گرفت و جلو رفت. حال چرا یک خانواده مذهبی اساس داستان را جلو برد؟ برای اینکه کاملا روشن است که در خانواده غیر مذهبی شیطان این همه سختی نمی کشد و اتفاقا در خطبه 7 نهج البلاغه امام علی(ع) می فرمایند شیطان فرزندانش را در دامان افراد پلید پرورش می دهد. چون این افراد از زبان من می بینند و می شنوند و عین خود من هستند. در یک خانواده غیر مذهبی خیلی کار سختی نیست که شیطان تجسد پیدا کند، برای یک خانواده مذهبی این مساله مورد توجه است. در جای جای احادیث ما داریم که برای شخصیت های بزرگ شیطان تجسد پیدا می کند.

**حرف کلی شما درست است اما وقتی صداوسیما می خواهد یک سریالی را بسازد که 70 میلیون مخاطب دارد، شما پایه را چه قرار داده اید؟ آسیبهای اجتماعی به صورت کلی در خانواده های مذهبی بیشتر است یا غیر مذهبی؟ یا فرار از خانه و پرخا شگری و چنین مواردی. صداوسیما قرار است مساله ای را گسترش دهد و به همین دلیل آمده و دست گذاشته روی نقطه ای کوچک. شما می گوئید حدیث امام صادق(ع) است. طی این سالها فکر نمی کنم چند سریال

بیشتر ما نداشته ایم که خانواده مذهبی خوب در آن به تصویر کشیده شده باشد. مثلا در سریال #171؛ به کجا چنین شتابان؛ به طور کامل و دقیق روند تبدیل یک فرد مومن به یک فرد غیر مومن تصویر شد یا در سریال صاحبان نشان داده شد که یک انسان بد چقدر خبیث است، آن وقت شما می گوئید یک آدم بد تکلیفش مشخص است؟ نه. کجا مشخص است؟ شما چرا مثلا نشان نمی دهید که یک فرد نزول خوار چطور به این مرحله رسیده است؟ چیزی که شما می گوئید توجیه کار خودتان است، خیلی ها می گویند که در یک خانواده مذهبی این همه گسست نیست، فرار دختر که دیگر خیلی قبیح است، حتی در خانواده غیر مذهبی نیز قبیح است. این که شما آمده اید یک حدیث شاز را انتخاب کرده اید جای سوال دارد. شما به جای تعریف این چنینی دلایل غیر مذهبی شدن یک خانواده را بررسی می کردید.

- آن که می شود یک فیلم دیگر که انشاءالله می سازیم. ما الان درباره فیلمی که ساخته شده حرف می زنیم. این طور نیست که ما در سریال هایی غیرمذهبی آسیبها را بررسی نکرده باشیم. یکی از این سریالها ساعت شنی بود که یکی از معترضین اش خود شما بودید که اجازه ندادید موضوع آن به سرانجام برسد.

**آن هم موضوع شازی بود. مساله رحم اجاره ای درد چند درصد مردم است؟ عیب اصلی اینجاست که صداوسیما آن موقع که باید درد مردم را ببیند نمی بیند. الان درد مردم چیست؟ عدالت اجتماعی. این همه مقام معظم رهبری در این باره صحبت کرده اند. صداوسیما در این زمینه چه کاری انجام داده است؟ اگر شما می خواهید درد را بگوئید که سقط جنین درد نیم درصد مردم هم نیست.

- ما سریال هم برای عدالت اجتماعی ساخته ایم. من در تکمیل سخنان قبلی ام بگویم که چرا خانواده غیر مذهبی انتخاب نشد؟ برای اینکه به قصه ما و سوژه ما ربط پیدا نمی کرد. در رابطه با این موضع یک خانواده غیرمذهبی از همان ابتدا باخته بود و دست ما بالا بود. در این سریال نیز مسائلی بود که شما به آن توجه نکرده اید. ما در سریال دو خانواده داریم. یکی خانواده ای که کاملا مذهبی است و همه چیزش درست است. آن هم خانواده فاطمه است. اما خانواده حاج حبیب هم داریم که در جایی از قصه نقایص او نیز گفته می شود که اشکالاتش کجاست. وقتی یک آدمی می خواهد ازدواج کند در سن بالا وقتی دو طرف موضوع دو دختر جوان هستند یک ملاحظاتی وجود دارد. یکی از اشکالات او همین موضوع بود که پدری که خود در رابطه با دخترش دچار اشکالاتی است و این موضوع می تواند در جامعه تعمیم یابد، ازدواج شکل گرفت و مبنای اتفاقات بعدی قرار گرفت. ما قصه فراون داریم و کار پخش

کرده ایم که مبنای آن نیز خانواده های غیرمذهبی بوده اند و دخترانی که دچار اشکال شده اند. خود بنده نیز مدیریت کرده ام که در این فضا هم سریال های مثبت ساخته شده و هم سریال های منفی. در این 6 الی 7 سال اخیر، چند سریال رتبه اول بیننده را داشته، سریال هایی نظیر در مسیر زاینده رود، داداشی، میوه ممنوعه و ... که رتبه اول مخاطب را کسب کرده است. سریال صاحبان هم بوده که یک خانواده خوب مذهبی در کنار یک خانواده فاسد تصویر شده است. آثار باید منصفانه نقد شوند. مگر سریال زیرتیغ را نداشتیم؟ بهترین سریال ضد روشنفکری که در سازمان صدواسیما تاکنون ساخته شده سریال مرگ تدریجی یک رویا بوده که تحت مدیریت من ساخته شده است و هنوز لنگه آن ساخته نشده است. پس نباید غیرمنصفانه قضاوت کنیم.

****شیطان به صورت وسوسه جلو می آید و آن چه که مطرح است، این است که تجسد شیطان برای بزرگان دینی مطرح بوده است، اما شما در سریال آن را در مقابل فاطمه قرار داده اید که از لحاظ مذهبی فرد معمولی محسوب می شود و نماینده یک فرد مذهبی معمولی در جامعه به شمار می رود، در چنین شرایطی شیطان تجسد پیدا نمی کند، ممکن است که شیطان از طریق نیما بخواهد او را فریب بدهد، ضمن اینکه هر قدم که به شیطان نزدیک شوی، او بیشتر به انسان نزدیک می شود در حالی که مواردی نظیر نماز خواندن و قرآن خواندن آن را از انسان دور می کند، و شاید در ذهن مخاطب این موارد پیش بیاید که این انسانی که من آن را می بینم شیطان است، بهتر نبود برخی مقولاتی که مطرح شده بود با توجه به میانگین مخاطبان در نظر گرفته می شد؟**

- ما تلاش کرده بودیم که این هشدارها را در سریال بدهیم آن هم از طریق نریشن که توسط شیطان گفته می شد و روایت می شد که وقتی بین شما انسان ها تفرقه اتفاق می افتد، بهترین محل ورود شیطان است و خیلی از آنها را نوشتیم. اینکه فاطمه فرد معمولی بود قبول دارم البته او ایمان بالاتری نسبت به سارا داشت و سارا فرد معمولی محسوب می شد، طبیعی است که اگر ما یک عابد یا مجتهد را قرار می دادیم که دیگر قصه پیش نمی رفت. طبیعی است و همه ما می دانیم محدودیت هایمان را. همچنین قصه را نمی توانستیم روایت کنیم و تعلیقی هم وجود نداشت. در آخر قصه این هیجان بود که بالاخره فاطمه نیما را می زند یا خیر؟ این تعلیق و جذابیت به کار می دهد.

****اگر شیطان غیب نمی شد، مشخص نبود که او شیطان است، نریشن ابداع خیلی موفقی بود و تا قبل از قسمت هایی که مشخص شود او شیطان است جذاب تر بود و با آمدن شیطان کار افت پیدا کرد.**

-فاطمه باید در این خانواده تنها باقی می ماند و برای از پا در آوردن او خود شیطان می آمد. بنا بر این برای زدن سارا آمدن شیطان لازم نبود و نیما با کمی وسوسه او را با خود همراه کرد. با این کار شیطان یارگیری کرد و سارا نیز در جبهه او قرار گرفت. بعد سارا حاج حبیب را زد و در نهایت با مرگ مادر خانواده از هم پراکنده شد و خواست شیطان محقق شد. اینکه آیا شیطان می توانست فاطمه را بزند یا نه تعلیق داستان بود و ما آخر سریال هم با نریشن گفتیم که این بار شیطان موفق نشد و معلوم نیست که دفعه بعد هم موفق نشود. آخر سریال هم دوستان با خواسته مخاطبان کار را تمام کردند و شیطان به سراغ یک فرد غیر مذهبی رفت و او را شکار کرد برای ماجراهای بعدی. اگر بخواهیم تعلیق و جذابیت وجود داشته باشد ما نمی توانیم برویم و یک آدم کاملاً سفید پیدا کنیم. اتفاقاً اگر ملاحظات وجود نداشت ما باید خطاهایی در فاطمه می گذاشتیم و او هم دچار خطا می شد که قصه درست تر اتفاق بیافتد اما ما به دلیل همین ملاحظات اجتماعی این کار را انجام ندادیم. گفتیم اگر فاطمه هم آلوده شود، شاید نارضایتی ها از سریال بالا برود. آخر این قصه ما به این نکته رسیدیم که آنچه انسان ها را از بدی ها جدا می کند همین توسل به خدا، قرآن و ائمه است. به جز این بود مگر؟ فرض کنیم که ما حتی حرف های غیرمذهبی هم در سریال زده باشیم مگر غیر از این است که همه در خدمت داستان کلی سریال بوده است؟ و بگوییم آنچه شما را نجات می دهد ایمان به خداست و حرف اصلی قصه همین مساله بود.